

# آرایه نهایی

دکترهامون سبطی



اگر چرخ از لب بود ساختار ۱۳۵۲  
ببریز فرخنده‌ش کرد به خمر آن کان پرو

مراست چشم بخت کجاست  
راستش کس بیادای بسازد

بیتی دارم که کرمی ز بسیل ساریان دارد  
ساده‌اش نمی‌توانم از گون دارد

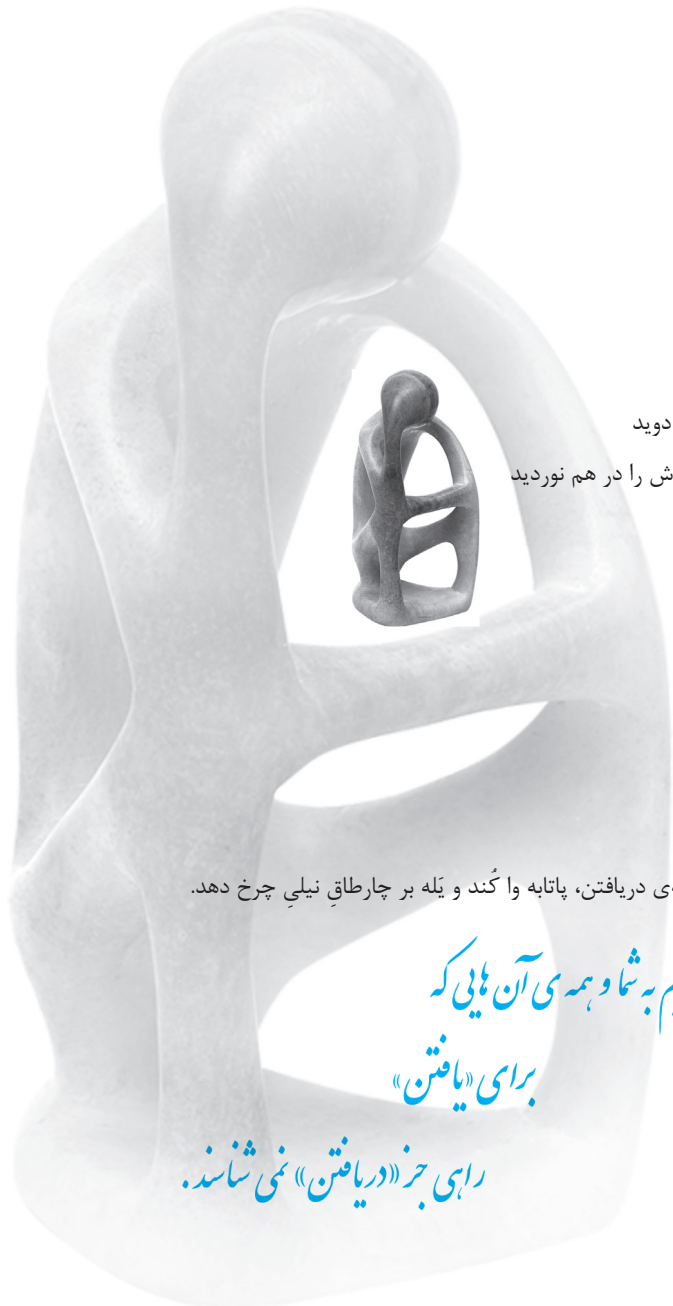
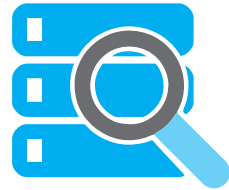
ز به نام بر باد و میان خرد  
کسی ز غمت کای بی‌خوش است

برای هر سه پایه  
و همه رشته‌ها



خواننده گرامی «مطالب تکمیلی» زیادی برای این کتاب آماده شده‌است. با اسکن بارکد و وارد کردن کد خراشی که داخل جلد همین کتاب (این روبه‌رو سمت راست) برایتان گذاشته‌ایم، به این مطالب دسترسی پیدا می‌کنید.

محتوای تکمیلی این کتاب



روزی نشست بر پاره‌سنگی

با انگشتانی گره‌کرده در زیر چانه‌اش

و خیره‌نگاهی تا بی‌انتها

آرام آرام شرارِ وسوسه‌ای در رگ‌هایش دوید

و هُرم قدرتی سترگ، ساق‌های بی‌قرارش را در هم نوردید

ناگاه به پا خاست

و گام در راهی نهاد

بی‌انتها

- انسان را می‌گویم -

او ناچار رفتن بود و یافتن

شاید به این امید که روزی، بر فراز قلّه‌ی دریافتن، پاتابه وا کند و یله بر چارطاقِ نیلی چرخ دهد.

تقدیم به شما و همه‌ی آن بانی که  
برای «یافتن»

راهی جز «دریافتن» نمی‌شناسند.

سرشناسه: سبیطی هامون، ۱۳۵۲  
عنوان و نام پدیدآور: آرایه‌های نهایی / مولف هامون سبیطی .  
مشخصات نشر: تهران: دریافت، ۱۴۰۳.  
مشخصات ظاهری: ۱۷×۲۵ س.م.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۷۳-۷۵-۱  
وضعیت فهرست نویسی: فیبای مختصر  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۵۶۰۴۴

## آرایه‌های نهایی

مؤلف: دکتر هامون سبیطی

ناشر: نشر دریافت

ویراستار: امیرحسین بوژانی

ناظر چاپ: سعید حیدری

صفحه‌آرا: نرگس عموتقی

طراح جلد: ایمان خاکسار

نوبت و سال چاپ: دوم، ۱۴۰۳

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

بها: ۱۵۹۰۰۰ تومان

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۵۰۳۹۲

نشانی اینترنتی: [www.Daryaftpub.com](http://www.Daryaftpub.com)

پست الکترونیک: [daryaftpub@gmail.com](mailto:daryaftpub@gmail.com)

حق چاپ و نشر این کتاب متعلق به ناشر بوده و هرگونه کپی یا نقل مطالب بدون اجازه ناشر پیگرد قانونی دارد.

# عشق بنام یگانگی

## مقدمه مؤلف

فکر می‌کنی در کدام لحظه‌ها، آدم از همیشه عمرش سبک‌تر است و دیگر، بار هستی‌اش بر روی دوشش سنگینی نمی‌کند و این وسوسه شوم همیشه را که از زیر بار بودنش شانه خالی کند، به ناگاه از یاد می‌برد؟ من احساس می‌کنم، این لحظه، لحظه آفریدن است؛ وقتی که شعری می‌گویی، ترانه‌ای می‌سازی، نقش چهره‌ای می‌زنی که هنوز آن را کسی ندیده و نقل داستانی می‌کنی که هنوز کسی آن را نشنیده. در این لحظه‌هاست که آدم از بودنش راضی می‌شود؛ می‌بیند که دیگر را کد نیست؛ جریان دارد؛ جریان هستی از خودت به ترانه‌ای که ساخته‌ای، چهره‌ای که پرداخته‌ای یا فرضیه‌ای که در سر داری یا اختراعی که در دست... و از زیباترین این آفرینش‌ها شعر است. واقعاً چه لذتی باید داشته باشد، وقتی همین واژه‌های بی‌حوصله عبوس را که به زحمت حاضرند برای چند ثانیه کنار هم بیایند تا جمله‌هایی را معمولی‌تر از هر روز به زبان بیاوریم، طوری کنار هم جمع کنی که، تا دنیا دنیااست، از هم جدا نشوند؛ ترانه‌ای جاودان که همیشه می‌خواند، همچون «صدای سخن عشق» که همیشه می‌ماند:

«آن کلاغی که برید / از فراز سر ما / و فرو رفت در اندیشه آشفته ابری ولگرد / و صدایش، همچون نیزه کوتاهی، پهنای افق را پیمود / خبر ما را با خود خواهد برد به شهر.  
همه می‌دانند / همه می‌دانند / که من و تو از آن روزنه سرد عبوس / باغ را دیدیم / و از آن شاخه بازیگر دور از دست / سیب را چیدیم / همه می‌ترسند / همه می‌ترسند، اما من و تو / به چراغ و آب و آینه پیوستیم / و نترسیدیم / سخن از پیوند سست دو نام / و هماغوشی در اوراق کهنه یک دفتر نیست / سخن از گیسوی خوشبخت من است / با شقایق‌های سوخته بوسه تو...»

آیا به راستی، از عصیان عشق در برابر قرارهای بی‌اعتبار، تصویری زیباتر از این می‌توان آفرید؛ عصیانی که بر ما به ارث مانده‌است، از آن دم که «حوا» و «آدم» «از آن شاخه بازیگر دور از دست، سیب را چیدند» و «اندیشه‌های آشفته» چون «ابراهیم ولگرد» به آسمان ذهن آدمی سُرک کشیدند و جارچیان زمین، طومار خطاهای ما را به منقار گرفتند و به آن سوی افق‌ها پریدند.

و ادبیات واقعی، تمامش آفرینش است. آفرینش دنیاهایی تازه با آدم‌هایی تازه؛ آدم‌هایی که هر کاری که بخواهی می‌کنند و هر طوری که بخواهی فکر می‌کنند و دست هیچ‌کس هم به آن‌ها نمی‌رسد، تا آن‌ها را به خاطر کارهایشان یا فکرهایشان، بگیرد و به چارمیخ بکشد و بکشد. این جا دنیای خیال است و آرزو، «هرچه می‌خواهد دل تنگت بگو».

## آرایه‌های ادبی لفظی

- ◀ واج‌آرایی (نغمهٔ حروف)..... ۷
- ◀ پرسش‌های تمرینی ..... ۱۰
- ◀ سجع (تسجیع)..... ۱۲
- ◀ پرسش‌های تمرینی ..... ۱۵
- ◀ جناس همسان و ناهمسان ..... ۱۸
- ◀ جناس‌های رایج (واژه‌های ایهام‌برانگیز) ..... ۱۹
- ◀ جناس‌های ناهمسان (ناقص)..... ۲۴
- ◀ پرسش‌های تمرینی ..... ۲۸

## آرایه‌های ادبی معنوی

- ◀ مراعات نظیر (تناسب)..... ۳۱
- ◀ پرسش‌های تمرینی ..... ۳۳
- ◀ تضاد (طباق) ..... ۳۵
- ◀ پرسش‌های تمرینی ..... ۳۷
- ◀ متناقض‌نما یا تناقض (پارادوکس)..... ۳۹
- ◀ پرسش‌های تمرینی ..... ۴۳
- ◀ عکس (قلب)..... ۴۷
- ◀ لَفّ و نشر ..... ۴۷
- ◀ تلمیح ..... ۴۸
- ◀ تلمیح‌های رایج ..... ۴۹
- ◀ پرسش‌های تمرینی ..... ۵۲
- ◀ تضمین ..... ۵۴
- ◀ پرسش‌های تمرینی ..... ۵۵
- ◀ اغراق (مبالغه، غلو)..... ۵۶
- ◀ پرسش‌های تمرینی ..... ۵۸
- ◀ حسن تعلیل ..... ۶۱
- ◀ پرسش‌های تمرینی ..... ۶۳
- ◀ مُثَلّ، تمثیل و اسلوب معادله ..... ۶۵
- ◀ مثل ..... ۶۵

## فهرست

- ۶۵ ..... تمثيل <
- ۶۶ ..... اسلوب معادله <
- ۶۸ ..... تفاوت حسن تعليل و اسلوب معادله <
- ۶۹ ..... پرسش‌های تمرینی <
- ۷۱ ..... ایهام <
- ۷۵ ..... پرسش‌های تمرینی <
- ۷۷ ..... ایهام تناسب <
- ۸۱ ..... پرسش‌های تمرینی <


### آرایه‌های علم بیان


- ۸۴ ..... فرآیند تشبیه <
- ۸۵ ..... آرایه تشبیه <
- ۹۰ ..... پرسش‌های تمرینی <
- ۹۲ ..... اضافه تشبیهی <
- ۹۲ ..... اضافه‌های تشبیهی رایج در ادبیات فارسی <
- ۹۳ ..... پرسش‌های تمرینی <
- ۹۵ ..... مجاز <
- ۹۶ ..... مجازهای رایج در ادبیات فارسی <
- ۱۰۰ ..... پرسش‌های تمرینی <
- ۱۰۴ ..... استعاره مُصرَّحه (نوع اول) <
- ۱۰۶ ..... استعاره‌های رایج در ادبیات فارسی <
- ۱۱۰ ..... پرسش‌های تمرینی <
- ۱۱۱ ..... تفاوت مجاز و استعاره مصرَّحه <
- ۱۱۲ ..... پرسش‌های تمرینی <
- ۱۱۳ ..... استعاره مکنیه (نوع دوم) <
- ۱۱۴ ..... اضافه استعاری <
- ۱۱۶ ..... تفاوت اضافه استعاری و اضافه تشبیهی (در قلمرو ادبی) <
- ۱۱۹ ..... تفاوت اضافه استعاری و اضافه اقترانی (در قلمرو ادبی) <
- ۱۲۰ ..... پرسش‌های تمرینی <
- ۱۲۲ ..... کنایه <
- ۱۲۵ ..... تفاوت مجاز و کنایه <


## فهرست


۱۲۹.....	هم‌آرایی تشبیه و کنایه
۱۳۰.....	پرسش‌های تمرینی
۱۳۳.....	تشخیص (آدم‌نمایی، Personification)
۱۳۴.....	هم‌آرایی تشبیه و تشخیص
۱۳۵.....	پرسش‌های تمرینی
۱۳۷.....	حسن آمیزی
۱۴۰.....	پرسش‌های تمرینی
۱۴۱.....	امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۰
۱۴۲.....	امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۱
۱۴۳.....	امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۲
۱۴۴.....	پاسخ تشریحی امتحانات نهایی

### تعریف نمادهای به کار رفته در این کتاب

۱-  **درس:** بیان تعریف‌ها یا مطالب پایه‌ای

۲-  **نکته:** موضوع‌های ریز مربوط به یک موضوع اصلی یا راه‌های میان‌بر

۳-  **توجه:** توضیح نکته‌هایی که با بدفهمی همراهند یا باعث اشتباه می‌شوند

۴-  **یادآوری:** آ. بیان نکته‌های گفته‌شده یا مطالب سال‌های گذشته  
ب. بیان ارتباط میان مفهوم‌های جدید و مفهوم‌های قبلی

۵-  **راهنمایی:** بیان نکته‌ای که در رسیدن به پاسخ سؤال راه‌گشاست، قبل از بیان  
مستقیم راه‌حل و پاسخ

## آرایه‌های ادبی لفظی

### واج‌آرایی (نغمه حروف)

ک به تکرار یک واج (صامت یا مصوت) در سخن گفته می‌شود، به گونه‌ای که طنین آن در گوش برجای بماند و باعث پیدایش موسیقی آوایی در آن بخش از سخن شود.

□ «رشته تسبیح اگر بگسست معزوم بدار / دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود»

صامت / س / چندین بار تکرار شده است و در گوش طنین انداز است.

به عنوان نمونه‌ای دیگر، در این مصراع از حافظ: «بیار باده که بنیاد عمر بر باد است» تکرار صامت / ب / و مصوت / / باعث پیدایش موسیقی در کلام شده است.

### خط فکرت

نام دیگر واج‌آرایی «نغمه حروف» است و شرط لازم برای به وجود آمدنش این است که: یک صامت یا مصوت، دست کم سه بار در فاصله‌ای نزدیک تکرار شود.

### تمرین آموزشی: در کدام یک از گزینه‌ها، آرایش واج‌ها احساس نمی‌شود؟

- |                                       |                                       |
|---------------------------------------|---------------------------------------|
| (۱) از پای تا به سر همه سمع و بصر شدم | (۲) خلق چو مرغابیان، زاده ز دریای جان |
| (۳) دردی نه دواپذیر دارد              | (۴) جدا شد یکی چشمه از کوهسار         |
| (۵) مرا مادرم نام مرگ تو کرد          | (۶) نهان می‌گشت پشت کوهساران          |

### پاسخ تحلیلی:

تکرار صامت / س / (ص) و مصوت / ے / در نمونه نخست، تکرار مصوت / / در نمونه دوم و تکرار صامت / د / در نمونه سوم، موسیقی آوایی زیبایی پدید آورده است که چنین حالتی در نمونه چهارم و ششم، چندان احساس نمی‌شود. در نمونه پنجم نیز تکرار / م / و / / واج‌آرایی محسوسی شکل داده است.





این که یک واج با حرف‌های متفاوتی نوشته شود، واج‌آرایی را برهم‌نمی‌زند.

در واج‌آرایی به مصوت‌ها نیز توجه داشته باشید.

برای مثال در مصراع:

□ «به گوش هوش نبوش از من و به عشرت کوش»

(نیوشیدن: شنیدن و پذیرفتن سخن) علاوه بر تکرار صامت / ش / تکرار مصوتِ / و / U= نیز باعث ایجاد موسیقی درونی شده است.

حالا بگویید در این بیت، مصراع نخست واج‌آرایی دارد یا مصراع دوم:

□ «حال دل پیاده واپس ز کاروان / کی داند آن کسی که سوار است بر سمند»

بعید است واج‌آرایی / س / در مصراع دوم از «چشم» شما پنهان مانده باشد، اما توجه داشته باشید که در واج‌آرایی وظیفه اصلی بر عهده «گوش» است نه چشم! در مصراع اول کدام واج چهار بار تکرار شده است؟ بله! واج کسره. این واج نوشته نمی‌شود و به چشم نمی‌خورد اما به گوش که می‌آید!

به تکرار پی‌درپی کسره که باعث واج‌آرایی می‌شود، توجه داشته باشید.

پس در هر دو مصرع بیت بالا، واج‌آرایی پدید آمده است.

حالا به این قطعه شعر از «فروغ فرخزاد» دقت کنید:

□ «من از گفتن می‌مانم / اما زبان گنجشکان / زبان زندگی جمله‌های جاری جشن طبیعت است»

تکرار صامت / ج / در مصراع آخر این قطعه شعر، نه تنها به پیدایش موسیقی درونی آن کمک می‌کند بلکه تداعی‌کننده همهمه صدای گنجشکان (جیک‌جیک) نیز می‌باشد و نشانی است از نبوغ هنری آفریننده آن. به عنوان نمونه‌ای دیگر، تکرار صامت‌های / خ / و / ز / در این بیت از منوچهری دامغانی، تداعی‌کننده صدای ریزش و خرد شدن برگ‌ها در فصل خزان است:

□ «خیزید و خز آرید که هنگام خزان است / باد خنک از جانب خوارزم وزان است»

واج‌آرایی وقتی جنبه هنری بالایی به خود می‌گیرد که واج یا واج‌های تکرار شده، تداعی‌کننده صدایی باشند که با موضوع بیت و عبارت مرتبط است.

نمونه‌هایی دیگر:

□ «بر او راست خم کرد و چپ کرد راست / خروش از خم چرخ چاچی بخاست»

فردوسی، کشیده شدن چرخ چاچی (کمان ساخته شده در شهر چاچ) را در داستان رستم به تصویر می‌کشد و تکرار صامت‌های / چ /، / ر /، / خ / صدایی شبیه به «چرخ چرخ» را تداعی می‌کند که همان صدای کشیده شدن کمان است. در این حالت می‌توانیم بگوییم که واج‌آرایی با القای معنایی همراه است و ارزش هنری بالاتری دارد.



حالا بگوئید در بیت زیر، واج‌آرایی مصراع اول هنرمندانه‌تر است و القای معنایی دارد یا واج‌آرایی مصراع دوم؟

□ «ز یزدان دان نه از ارکان که کوتاه‌دیدگی باشد / که خطی کز خرد خیزد تو آن را از بنان بینی»

در مصراع اول تکرار پی‌درپی واج‌های / ا / ا / ، / ن / و / د / و در ادامه واج / ک / موسیقی زیبایی به مصراع داده است. با این حال این صداها هیچ معنایی را که مرتبط با مفهوم مصراع باشد به ذهن القانمی‌کنند؛ اما در مصراع دوم، تکرار صامت / خ / کشیده‌شدن قلم بر روی کاغذ را هنگام خطاطی تداعی می‌کند و شگنی نیست که این واج‌آرایی هنرمندانه‌تر از واج‌آرایی مصراع اول است.

### تست آهوشی: در کدام گزینه واج‌آرایی هنرمندانه‌تر است و با القای معنایی همراه است؟

- ۱) مکن از خواب بیدارم خدا را / که دارم خلوتی خوش با خیالم
- ۲) ما را ز خیال تو چه پروای شراب است / خُم گو سر خود گیر که خُم‌خانه خراب است (خُم: ظرف بزرگ شراب)
- ۳) خیال خال تو با خود به خاک خواهیم برد / که تا ز خال تو خاکم شود عبیرآمیز (عبیر: ماده‌ای خوش‌بو)
- ۴) صحن سرای دیده بشستم ولی چه سود / کاین گوشه نیست در خور خیلِ خیال تو (خیل: لشکر، گروه)

### پاسخ تحلیلی:

در هر چهار بیت تکرار صامت / خ / باعث ایجاد موسیقی درونی و واج‌آرایی شده است. حالا باید از خودمان بپرسیم که تکرار صامت / خ / یادآور صدایی است که مربوط به معنای کدام بیت می‌شود؟ بله، بیت اول که در آن از «خواب» سخن به میان آمده است و صدای / خ / القاکننده صدای خواب (خُرُخُر) است! راستی، دقت کنید که در مصراع اول گزینه چهارم، واج‌آرایی صامت / س / نیز به گوش می‌خورد، زیرا حرف «ص» و «س» هر دو نشانه یک واج هستند.



## واج‌آرایی (نغمه حروف)

## پرسش‌های تهرینی

**تهرین ۱:** در ابیات زیر تکرار کدام صامت پدیدآورنده واج‌آرایی است.

۱. مخور طعمه جز خسروانی خورش / که جان یابدت زان خورش پرورش
۲. گفتم غم تو دارم گفتنا غمت سرآید / گفتم که ماه من شو گفتنا اگر برآید
۳. گفتم که بر خیالت راه نظر ببندم / گفتا که شب‌رو است او از راه دیگر آید
۴. گرت ز دست برآید مراد خاطر ما / به دست باش که خیری به جای خویشتن است
۵. آن را که چنین دردی از پای دراندازد / باید که فرو شوید دست از همه درمان‌ها
۶. در بهشت انهار و اشجار است و در قرآن، اخبار و اعتبار است.

**تهرین ۲:** شاعر در ابیات زیر چگونه از واج‌آرایی برای زیبایی بیشتر سخن خود بهره برده است؟

۷. شب از چشم تو آرامش به وام دارد.
۸. مرا مادرم نام مرگ تو کرد / زمانه مرا پتک ترگ تو کرد
۹. دیده آتشین من برکش / و آتشم را بکش به آبی خوش
۱۰. عاقبت از خامی خود سوخته / رهروی کبک نیاموخته

(هنر ۹۳)

**۱۱.** شاعر در کدام بیت از آرایه «واج‌آرایی» بهره بیش‌تری برده است؟

- ۱) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را / که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را
- ۲) آن ابر دُرُز بار ز دریا که برآید / پر کرده ز دُر و درم و دانه دهان را
- ۳) رسم عاشق‌کشی و شیوه شهرآشوبی / جامه‌ای بود که بر قامت او دوخته‌بود
- ۴) شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی / غنیمت است چنین شب که دوستان بینی

**۱۲.** «واج‌آرایی» در کدام سروده زیر ارزش هنری بیش‌تری دارد؟

- ۱) سین هفتم سیب سرخی ست / حسرتا که مرا نصیب از این سفره سنّت / شروری نیست
- ۲) نه از رومم نه از رنگم / همان بی‌رنگ بی‌رنگم / بیا بگشای در، بگشای، دلتنگم
- ۳) جهان را بنگر سراسر / که به رخت رخوت خواب خراب خود / از خویش بیگانه است
- ۴) بر آسمان وحشی مردان کشت کار / رو آشیانه کن / بر چشم سبز جنگل بیدار / لانه کن



### واج‌آرایی (نغمه حروف)

#### پاسخ تشریحی پرسش‌های تمرینی

۱. تکرار صامت (خ)
۲. گ / و / ا /
۳. علاوه بر / ا / تکرار / د / نیز موجب واج‌آرایی شده است.
۴. ت / و (خ)
۵. د / و / ا /
۶. مصوت بلند / ا / و مصوت کوتاه / ا / بسیار تکرار شده.

**!** صامت / ن / چندان به گوش نمی‌آید و واج‌آرایی اش خیلی برجسته نیست مگر آن که چندین بار در فاصله‌های نزدیک تکرار شود مانند «ز یزدان دان نه از ارکان»

۷. تکرار / ش / نوعی سکوت را به ما القا می‌کند.
۸. تکرار صامت / میم / چه حسی به شما القا می‌کند؟ انگار از ترس زبان‌تان گرفته باشد!
۹. مثل زمانی که که آب روی آتش می‌ریزد، به تکرار / ش / دقت کنید.
۱۰. تکرار / ا / و / خ / چه واژه‌ای را القا می‌کند؟ پاسخش با شما.

#### گزینه ۱۱

در هر چهار بیت واج‌آرایی گوش‌نوازی احساس می‌شود، اما تکرار دو واج «د» و «ر» در بیت دوم با واژه «دُر» و صدای فروریختن دُرها (مرواریدها) نیز هماهنگی دارد و آن را القا می‌کند که ارزش هنری بیش‌تری به واج‌آرایی بخشیده است.

#### گزینه ۱۲

همان ماجرای خواب است و تکرار صامت / خ / که پیش‌تر دیدیم.



## سجع (تسجیع)

هرگاه واژه‌های پایانی دو جمله (دو قرینه) در واج آخر مشترک باشند، یا هم‌وزن باشند، آرایه سجع پدید می‌آید و آن دو جمله، مَسْجَع خوانده می‌شوند.

در اغلب نمونه‌های نثر مسجع، واژه‌های پایانی دو جمله، در بیش از یک حرف مشترک‌اند و در واقع هم‌قافیه هستند.

□ «ای عزیز! در رعایت دلها کوش و عیب کسان می‌پوش»

جمله اول                      جمله دوم

همان‌گونه که می‌بینید، در این عبارت می‌توان دو قرینه یک‌جمله‌ای در نظر گرفت که واژه‌های پایانی این دو قرینه در مصوّت / و / و صامت / ش / مشترک هستند.

□ «هر نفسی که فرو می‌رود، ممدّ حیات است و چون برمی‌آید مفزح ذات»

جمله اول (مرکب)                      جمله دوم

### خط‌فکر

برای این که ببینیم سخنی مسجع است یا نه، به این ترتیب فکر می‌کنیم:

۱. باید در آن سخن دو جمله یا عبارت قرینه هم (بدون فاصله) پیدا کنیم.

۲. آخرین واژه غیرتکراری پایان قرینه‌ها چیست؟ اگر این واژه‌های غیرتکراری پایانی، در آخرین حرف خود (و یا بیش‌تر از آن) و یا وزن مشترک باشند، آرایه سجع برقرار است.

**تست آموزشی:** در «فی الجملة زبان از مکالمه او درکشیدن قوت نداشتم و روی از محادثه او گردانیدن، مرّوت

نداشتیم که یار، موافق بود و ارادت، صادق.» واژه‌های سجع کدام‌اند؟ (آزمون سراسری)

۱) نداشتیم و نداشتیم / موافق و صادق

۲) مکالمه و محادثه / قوت و مرّوت

۳) در کشیدن و گردانیدن / موافق و صادق

۴) مکالمه و محادثه / کشیدن و گردانیدن

**پاسخ تحلیلی:**

دیدیم که سجع در آخرین واژه غیرتکراری پایان جمله‌ها رخ می‌دهد. علت نادرستی سایر گزینه‌ها این است

که کلمات پایانی عبارت نیستند. افتادن «بود» از پایان جمله آخر، مشکلی برای سجع پدید نمی‌آورد. ←

گزینه ۱

اگر اشتراک دو فعل، تنها در شناسه‌ها باشد، یا تفاوتشان تنها در پیشوندهای «می، ب، ن» باشد، نمی‌شود آن‌ها را به‌عنوان واژه‌های سجع قبول کرد؛ مثلاً «داشتیم - نداشتیم» یا «بود - نبود» در پایان دو جمله سجع به‌شمار نمی‌آیند.



به عبارت زیر توجه کنید:

□ «جان ما را صفای خود ده و دل ما را هوای خود ده»

این عبارت را می‌توان به دو قرینه تقسیم کرد که هر قرینه از یک جمله تشکیل شده است. (شرط اول برقرار است).  
واژه‌های پایانی دو جمله (خود ده) یکسان هستند و تکرار واژه‌های یکسان در پایان دو جمله، پدید آورنده آرایه سجع نیست؛ بنابراین عبارت بالا در صورتی مسجع به شمار می‌آید که آخرین واژه‌های غیر تکراری دو جمله در واج آخر یا وزن مشترک باشند که این شرط برقرار است: صفا - هوا (هم‌وزنشان یکی است هم حرف آخرشان).  
پس در عبارت بالا «صفا» و «هوا»، واژه‌های سجع به‌شمار می‌آیند و «خود» و «ده» در حکم ردیف سجع هستند.

❗ **ردیف سجع** می‌تواند از پایان یکی از دو جمله به قرینه جمله دیگر حذف شود:

□ «که یار موافق بود و ارادت صادق»

روشن است که در این عبارت، واژه «بود» از پایان جمله دوم حذف شده است و باید واژه «صادق» را با واژه «موافق» مقایسه کرد که مسلماً میان آن‌ها سجع برقرار است. (وزنشان یکی نیست اما در حرف پایانی یکسان هستند).

نمونه‌ای دیگر از حذف ردیف سجع:

□ «تو نیز اگر توانی سر خویش گیر و راه مجانیت در پیش.»

**تمرین آهوشی:** کدام عبارت زیر مسجع است؟

- ۱- صحبتی و فصاحتی و بلاغتی و کرامتی داشت که کس نداشت.
- ۲- خون در روی مالیدم تا در چشم شما سرخ‌روی باشم که گلگونه مردان خون ایشان است.
- ۳- من شبان و روزان آشکارا و نهان شما را به رزم این مردم تیره‌روان خواندم.
- ۴- هم در غایت سوز و اشتیاق بود و هم در شدت لهب فراق.
- ۵- جوانی جُست، لطیف، خندان و شیرین‌زبان در حلقه ما بود که در دلش از هیچ نوع غم نیامدی و لب از خنده فراهم.

**پاسخ تحلیلی:**

- ۱- واژه‌های «فصاحت»، «بلاغت» و «کرامت» سجع به حساب نمی‌آیند زیرا درون یک جمله آمده‌اند نه در پایان چند جمله پی‌درپی. «داشت» و «نداشت» واژه‌های پایانی دو جمله‌اند، اما سجع به‌شمار نمی‌آیند زیرا تنها تفاوت آن‌ها در پیش‌وند «ن» است.
- ۲- از سه جمله پدید آمده است که واژه‌های پایانی جمله‌های اول و دوم، یعنی «مالیدم» و «باشم»، تنها در شناسه مشترکند و این برای سجع کافی نیست. «مردان» و «ایشان» نیز درون جمله سوم آمده‌اند و نمی‌توانند پدیدآورنده سجع باشند.
- ۳- یک جمله بیشتر نیست، پس علی‌رغم وجود واژه‌های هم‌قافیه در آن، نباید این عبارت را مسجع به‌شمار آورد.



۴- از دو جمله تشکیل شده است. فعل جمله دوم «بود» است که حذف شده. و گفتیم که حذف ردیف سجع تأثیری بر این آرایه ندارد. واژه‌های قبل از «بود» در این دو جمله عبارتند از «اشتیاق» و «فراق» که در حرف آخر (و بیش‌تر) مشترک هستند.

۵- «نیامدی» از پایان جمله آخر حذف شده است اما حذف آن تأثیری بر سجع ندارد، زیرا ردیف سجع است. واژه‌های قبل از آن یعنی «غم» و «فراهم» در حرف آخر مشترکند، پس واژه‌های سجع به‌شمار می‌آیند.

### روش تشخیص واژه‌های هم‌وزن در سجع:

الف) تعداد هجاهای یکسان دارند؛ مثلاً «بیگانگان» و «داناان» نمی‌توانند هم‌وزن باشند، زیرا اولی چهار هجایی است و دومی سه هجایی.

ب) زمان تلفظ هجاهایشان یکسان است؛ با این توضیح که همه صامت‌ها (ب، پ، ء، ع، ه، ح و ...) به یک واحد زمانی برای تلفظ شدن نیاز دارند. همه مصوت‌های کوتاه (ا، ب، ؤ) هم برای تلفظ به یک واحد زمانی (به اندازه صامت‌ها) نیاز دارند. همه مصوت‌های بلند (ā, u, i) به دو واحد زمانی برای تلفظ نیاز دارند؛ نمونه:

«طرح» و «زور» هم‌وزن هستند زیرا: ۱. هر دو تک‌هجایی هستند. ۲. طرح: ط (۱) + (۱) ر (۱) + ح (۱) = ۴ واحد زمانی

زور: ز (۱) + (۲) ر + ۴ = ۴ واحد زمانی. پس زمان تلفظ این دو هجا نیز یکسان است.

«آزادی» و «نامرؤم» هم‌وزن هستند؛ زیرا: ۱. هر دو سه هجایی هستند ۲. زمان تلفظ هجاها در آنها یکسان است:

آ: آ (۱) + (۲) ا + ۳ = // نا: ن (۱) + (۲) ا = ۳

زا: ز (۱) + (۲) ا + ۳ = // مر: م (۱) + (۱) ر + (۱) = ۳

دی: د (۱) + (۲) ی + ۳ = // دم: د (۱) + (۱) م + (۱) = ۳

اما «دستمال» و «پامال» هم‌وزن نیستند زیرا «دست» ۴ واحد زمانی برای تلفظ نیاز دارد اما «پا» ظرف ۳ واحد زمانی تلفظ می‌شود.



## سجع (تسجیع)

## پرسش‌های تهرینی

**تهرین ۱:** واژه‌های سجع را در عبارات زیر مشخص کنید.

۱. مَنّت خدای را عَزَّ و جَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.
۲. باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.
۳. از جمله نام‌های حسن یکی جمال است و یکی کمال.
۴. بی‌آتش قرار ندارد و در آتش وجود ندارد.
۵. شما در گل منگرید در دل بنگرید.
۶. هر نفسی که فرومی‌رود مُمدّ حیات است و چون برمی‌آید مفرح ذات.
۷. فزایش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده.
۸. در بهشت از هزار گونه نعمت است و در قرآن از هزار گونه پند و حکمت است.
۹. در بهشت انهار و اشجار است و در قرآن اخبار و اعتبار است.
۱۰. هم راحت بود هم آفت، هم وفا بود هم جفا.
۱۱. اشتری و گرگی و روباهی از روی مصاحبت مسافرت کردند.
۱۲. جهان از شما زیادت دیده‌ام و بار بیشتر کشیده‌ام.

**تهرین ۲:** واژه‌های مشخص شده در کدام نمونه، سجع نیستند؟

۱۳. مال از برای آسایش عمر است نه عمر از بهرِ گرد کردنِ مال.
۱۴. توانگری به هنر است نه به مال و بزرگی به عقل است نه به سال.
۱۵. سز عشق نهفتنی است نه گفتنی و بساط مهر پیمودنی است نه نمودنی.
۱۶. گفت خاموش که در پستی مردن به که حاجت پیش کسی بردن.
۱۷. هر درختی را نمره معین است که به وقتی معلوم به وجود آن تازه آید و گاهی به عدم آن پژمرده شود.
۱۸. کدام عبارت مسجع است؟

(۱) ساز نخوت و غرور بشکن و ترفع و تقدّم بگذار و کودک‌وار به زانوی تعلّم بنشین.

(۲) آن روز گل بودم، می‌گریختم؛ امروز دل شدم، درمی‌آویزم.

(۳) ملائکه نمی‌دانستند که این چه مجموعه‌ای است تا ابلیس پرتلیس گرد او طواف می‌کرد.





## سؤالات آرایه، شبه‌نهایی سال دهم، خرداد ماه ۱۴۰۳

## شبه نهایی

۱. واژگان قافیه در بیت زیر، سبب خلق کدام آرایه ادبی شده است؟  
«فرود آمد از دژ به کردار شیر / کمر بر میان، بادپایی به زیر»
۲. باتوجه به قسمت‌های مشخص شده، دو آرایه «مجاز» و «استعاره» را در ابیات زیر مشخص کنید.  
الف) کنون رود خلق است، دریای جوشان / همه خوشه خشم شد خرمَن من  
ب) آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام / بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد
۳. کلمات قافیه در کدام بیت آرایه «جناس تام» (همسان) دارد؟  
الف) گلاب است گویی به جویبش روان / همی شاد گردد به بویبش روان  
ب) کار پاکان را قیاس از خود مگیر / گرچه ماند در نبشتن شیر و شیر  
ج) نباشی بس ایمن به بازوی خویش / خورد گاو نادان؛ ز پهلوی خویش
۴. باتوجه به دو بیت زیر جای خالی را کامل کنید.  
آرایه‌های مشترک دو بیت، تشخیص، کنایه، استعاره و ..... است.  
الف) بید مجنون در تمام عمر، سر بالا نکرد / حاصل بی‌حاصلی نبود به جز شرمندگی  
ب) چو سرو از راستی برزد علم را / ندید اندر جهان تاراج غم را
۵. قسمت مشخص شده در هر گزینه دارای کدام آرایه ادبی است؟  
الف) بی مهر رخت چشم مرا نور نمانده است.  
ب) آفتاب فتح در آسمان سینه مؤمنین درخششی عجیب دارد.  
ج) زین کاروانسرای، بسی کاروان گذشت / ناچار، کاروان شما نیز بگذرد  
د) با صدایی گرم و رسا اجرا می‌کرد.
۶. باتوجه به بیت «زینهار از قرین بد زنهار / وقنا ربنا عذاب النار» به دو پرسش زیر پاسخ دهید.  
الف) نام آرایه ادبی برجسته این بیت چیست؟  
ب) در کدام یک از دو عبارت زیر این آرایه وجود دارد؟  
یک) و به میرزا عباس عتاب کرد که «این تلاوت قرآن نیست. آواز خوانی است!»  
دو) با صدای بلند می‌گفت: «الها، صد هزار مرتبه شکر» که «شکر نعمت، نعمت افزون کند»
۷. بیت یا عبارت داده شده در ستون «الف» دارای کدام آرایه در ستون «ب» است؟ (یک آرایه در ستون ب اضافه است)

ب	الف
اغراق	۱- ما راسر باغ و بوستان نیست / هر جا که تویی تفرج آنجاست
سجع	۲- گل از شوق تو خندان در بهار است / از آتش رنگ‌های بی‌شمار است.
حسن تعلیل	۳- شود کوه آهن چو دریای آب / اگر بشنود نام افراسیاب
حسن آمیزی	۴- یوسف صدیق، وفادار بود و یعقوب خود او را به صبر آموزگار بود
مجاز	۱ = ۲ = ۳ = ۴

## سؤالات آرایه، شبه‌نهایی سال یازدهم، خرداد ماه ۱۴۰۳

## شبه نهایی

۱. در کدام یک از ابیات زیر، هر دو آرایه تشبیه و استعاره دیده می‌شود؟  
 الف) به خوناب شفق در دامن شام / به خون آلوده ایران کهن دید  
 ب) نهان می‌گشت روی روشن روز / به زیر دامن شب در سیاهی
۲. آرایه مشترک در مصراع اول ابیات زیر را بنویسید.  
 الف) از شب‌نم عشق خاک آدم گل شد / صد فتنه و شور در جهان حاصل شد  
 ب) سرنشتر عشق بر رگ روح زدند / یک قطره فرو چکید و نامش دل شد
۳. واژه «ماه / مه» در کدام بیت آرایه استعاره نیست؟  
 الف) به ترانه‌های شیرین به بهانه‌های زرین / بکشید سوی خانه مه خوب خوش لقا را  
 ب) فرزند عزیز را به صد جهد / بنشانند چو ماه در یکی مهد  
 ج) چون رایت عشق آن جهانگیر / شد چون مه لیلی آسمان گیر
۴. باتوجه به جدول زیر، بیت مربوط به هر آرایه را مقابل آن بنویسید. (یک بیت اضافی است).

الف) مجاز	۱- ای حقیقی‌ترین مجاز من، ای عشق / ای همه استعاره‌ها با تو
ب) متناقض‌نما	۲- جانان من اندوه لبنان کشت ما را / بشکست داغ دیر یاسین پشت ما را
ج) تلمیح	۳- به پاس هر وجب خاکی از این ملک / چه بسیار است آن سرها که رفته
	۴- چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر / چه باشی چو روبه به وامانده سیر

۵. قسمت‌های مشخص شده در عبارت زیر دارای چه آرایه‌های ادبی هستند.  
 «چون او را در بند بلا بسته دید، زهاب دیدگان بگشاد و بر رخسار، جوی‌ها براند و گفت: ای دوست عزیز و رفیق موافق، تو را در این رنج که افگند؟»
۶. بخش مشخص شده در سروده زیر بیانگر کاربرد کدام آرایه ادبی به جز کنایه است؟  
 بیداری زمانه با من بخوان به فریاد / و مرد خواب و خفتی، «رو سر بنه به بالین تنها مرا رها کن»
۷. دو آرایه موجود در بیت زیر را بنویسید.  
 «بید مجنون در تمام عمر، سر بالا نکرد / حاصل بی حاصلی نبود به جز شرمندگی»  
 در مصراع اول آرایه ..... و در کل بیت آرایه ..... موجود است.